

شهر فوتبال شلوغ است

شهر فوتبال شلوغ است، لیگ دسته دوم فوتبال باشگاه های کشور به ایستگاه پایانی نزدیک شده است. این خود یکی از دلایل شلوغی است، اما ناکامی و عدم نتیجه گیری تیم محبوب اردبیلی ها و قرار گرفتن آن در انتهای جدول رده بندی دلیل عمده و مهمی است برای این شلوغی. این تیم یعنی شهرداری سابق و بی نام و نشان فعلی هنوز که هنوز است پرطرفدارترین تیم فوتبال ما به حساب می آید. این تیم اگر اغراق نکرده باشیم در هر کوی و برزنی از این شهر از هوادار بهره می برد.

متأسفانه این تیم امسال در رقابت های لیگ دسته دوم بسیار ضعیف و سؤال برانگیز ظاهر شد. ضعف این تیم به نفع هر کسی که بوده باشد، به نفع فوتبال اردبیل نبود. فوتبال اردبیل سال ها در زیر ضربه های مهلک تازیانه کمبود ها و بی توجهی ها و ناملایمات به حق خود دست نیافته است. سقف پرواز فوتبال ما خیلی بیشتر و بیشتر است. چرا باید فوتبال ما از خودی ها و غیر خودی ها هر روز و هر ماه و هر سال آسیب ببیند و ضربه بخورد؟ به چه دلیل مسئولین شهر و استان ما به فوتبال به چشم یک وسیله اضافی و غیر ضروری می نگرند؟ چرا برخی از دست اندرکاران امر به ظاهر خود را طرفدار و سینه چاک فوتبال قلمداد می کنند ولی در باطن نقش یک دشمن خونی را بازی می کنند؟ چرا برای توجه به فوتبال و سرمایه گذاری و حمایت مسئولین از آن، شهر ما به یک تافته جدا بافته تبدیل می شود؟ حرف ما این است استان های همجوار و حتی استان ها و شهرهای محروم تر از ما می توانند در فوتبال به توسط مسئولین و شهرداری ها حمایت شوند چرا ما نمی توانیم؟ چرا این کار برای سایر نقاط کشور مباح و برای اردبیل محروم و پر از استعداد حرام تلقی می شود؟

تا حرف از حمایت و لزوم آن به میان می آید به نحوی همه می خواهند از زیر بار مسئولیت شانه خالی بکنند و توپ را به میدان دیگری پاس بدهند. در افکار عمومی چنان وانمود کنند که در زمین گیر شدن فوتبال نقشی نداشته اند. غافل از این که مردم و بخصوص علاقه مندان و طرفداران فوتبال به خوبی با ضوابط، قوانین و مقررات حاکم بر رقابت های باشگاهی آشنایی کامل دارند و وظایف همه ارگان ها، ادارات و نهادها در قبال تیم و تیم داری در فوتبال را می دانند. مصاحبه ها و گفته هایی که خارج از چارچوب

اصول باشد و ترفند هایی برای تبرئه خود و متهم کردن دیگران مورد استفاده قرار گیرد، مطمئنا نمی تواند تاثیری در حقیقت درک شده توسط مردم و ورزشی ها بگذارد.

فوتبال ما امسال نتوانست به خوبی از حیثیت ورزش اردبیل دفاع نماید. نماینده آن بدترین و تاسف آورترین نتیجه در طول دوران حیاتش را برای مردم به ارمغان آورد. برای موفق شدن در فوتبال و در یک دوره از رقابت ها باید عزم جزمی در کار باشد؛ همت پولادین به کار افتد و تدبیر و تفکر مخلصانه به میدان بیاید. این چنین رفتار نشد و تیم به بلایی خانمانسوز و دردآور گرفتار گردید.

گفته های ما و انتقاد های ما و بیان واقعیت ها و سرگذشت دردآور فوتبال و از همه بالاتر موقعیت خجالت آور نماینده استان در جدول رده بندی گروه الف رقابت های لیگ دسته دوم به جز انجام وظیفه چیز دیگری نمی تواند باشد. ما نه با شورا غرض داریم و نه با شهردار کینه ای و مرضی. نه خصوصاً متی با اداره کل ورزش و جوانان داریم و نه دشمنی با کاخ نشینان حافظ. نه با مسؤولان سازمان فرهنگی ورزشی و باشگاه شهرداری ما را حساب و کتابی در میان است و نه با کادر فنی آویزان شده از تیم رقابت و عنادی وجود دارد. اگر انتقادی است نه از آن رو که ذره ای از ارادتمان نسبت به این عزیزان کاسته شده باشد بلکه از این روست که ما را مسؤولیتی است و رسالتی، ما قبل از اندشیدن به خود و داشتن هوای دوستان و آنهایی که در رویای مدیریت به سر می برند باید به فوتبال استانمان فکر بکنیم و حقایق در ارتباط با آن را بر زبان آوریم.

شهر فوتبال و ورزش همچنان شلوغ و آشفته است، خیلی چیزها در سر جای خودش نیست، خیلی ها از این آشفته بازار برای رسیدن به هدف بهره برداری می کنند، تماشاگران و هواداران آزرده و دلخور هستند. وضعیت موجود وضعیتی مطلوب نیست. این را نیز می دانیم که تیم شهرداری سابق و بی نام و نشان فعلی ملک طلق کسی نیست، میراث و ارث هیچ خاندانی نیست، تعلق به هواداران و فوتبال اردبیل دارد و باید برای روشن شدن افکار عمومی حقایق در ارتباط آن به وضوح و روشنی اطلاع رسانی شود.

تیم دو بازی دیگر در پیش دارد. نباید شهر فوتبال را از آنچه که هست بیشتر شلوغش کرد. باید منتظر ماند تا رقابت ها به خط پایان برسند و آنگاه می توان حرف زد و حقایق را گفت.